

مقایسه و تحلیل مواجهه رسول اکرم ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ با منافقان

امیر بنی‌عصار*

مهدی مردانی (گلستانی)**

چکیده

جریان نفاق، از آغاز ظهور اسلام تا کنون، همواره گریبان‌گیر جامعه اسلامی بوده و محنت‌های فراوانی به دنبال داشته است. در این میان، رسول اکرم ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ که در دو دوره متفاوت، رسالت اداره جامعه اسلامی را بر عهده داشتند، با این جریان به مقابله برخاسته و در جهت افشا و خنثی‌سازی فعالیت آنان بسیار تلاش کردند. مسئله‌ای که در این باره کمتر مورد توجه قرار گرفته، آن است که: آیا بین نحوه مواجهه رسول اکرم ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ با منافقان، تفاوتی وجود داشته است؟ این پژوهش می‌کوشد با مقایسه و تحلیل این دو مواجهه، نشان دهد شدت عمل امیرمؤمنان ﷺ متناسب با شرایط زمانی، بیشتر از نحوه تعامل رسول اکرم ﷺ با منافقان بوده است.

کلیدواژه‌ها: جریان نفاق، تعامل با منافقان، پیامبر ﷺ و منافقان، امام علی ﷺ و منافقان.

مقدمه

تشخیص چهره نفاق و منافق^۱ و شناخت نحوه تعامل با آنان، از جمله مسائل مهم و حساسی است که جامعه اسلامی در دوره‌های گوناگون به آن مبتلا بوده است؛ از این رو، ارائه راه‌کاری عملی و شیوه‌ای کاربردی در مواجهه با آنان، یکی از ضرورت‌هایی است که باید در مطالعات دینی مورد توجه و تأمل قرار گیرد؛ به‌خصوص آن‌که متون روایی و گزارش‌های تاریخی، حکایت از آن دارد که رفتار معصومان ﷺ با منافقان، بسته به شرایط مختلف، متفاوت بوده است. این مقاله تلاش دارد تا با مقایسه میان شیوه مواجهه امیرمؤمنان ﷺ و رسول اکرم ﷺ با منافقان - که در دو برهه زمانی متفاوت رخ داده است - از سویی، اختلاف این دو نوع رویکرد را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و از سوی دیگر، معیاری کارآمد در مواجهه با جریان نفاق به دست دهد. البته در این باره آثاری نیز تألیف شده است^۲ که علی‌رغم ارائه مباحث ارزشمند، فاقد رویکرد مورد نظر در این پژوهش بوده است.

الف) مواجهه رسول اکرم ﷺ با منافقان

برآیند مطالعه رفتارشناسی پیامبر اکرم ﷺ در برابر منافقان، این نکته را به دست می‌دهد که ایشان پدیده نفاق را آسیبی اجتماعی - روانی می‌دانستند و از مواجهه سیاسی و رسمی با آن پرهیز می‌فرمودند. گواه این مطلب، بهره‌گیری ایشان از

* دانش‌آموخته مرکز تخصصی علوم حدیث، حوزه علمیه قم (a.baniasareh@gmail.com).

** عضو هیأت علمی دانشگاه قرآن و حدیث قم، گروه نهج‌البلاغه (mardani.m@qhu.ac.ir).

۱. ماده «نفاق» در اصل به معنای پنهان‌کاری است؛ از همین رو، به کسی که خلاف آنچه آشکار است را پنهان می‌کند «منافق» گویند؛ معجم مقاییس اللغة، ماده «نفاق». اما یکی از ظریف‌ترین تعابیری که در این باره بیان شده، تشبیهی است که بین رفتار منافق و لانه‌سازی موش صورت گرفته است. موش برای ساختن لانه خود، زمین را سوراخ می‌کند و به حدی پیش می‌رود که مجدداً به قشر زمین می‌رسد و آن را نازک می‌کند، ولی از بین نمی‌برد؛ هر موقع در لانه خوف و ترس برای او رخ داد، فوراً پوسته را برانداخته و از آن درب فرار می‌کند. در واقع، این حیوان در زمین دو سوراخ درست می‌کند؛ یکی، سوراخ آشکار که از آن‌جا داخل می‌شود و عرب به آن «قاصعا» می‌گوید و دیگری، سوراخ پنهان که از آن خارج می‌گردد و بدان «نافقا» می‌گویند؛ تهذیب اللغة، ج ۹، ص ۱۵۶.

۲. از جمله می‌توان به مواردی چون: کتاب سیره رسول خدا و تاریخ تحول دولت و خلافت، تألیف رسول جعفریان و کتاب حزب علوی و حزب اموی، نگاشته محسن حیدری اشاره کرد.

ابزارهای روانی - اجتماعی در مبارزه با این چالش^۱ و نیز برجسته شدن عناوین عمدتاً اخلاقی در تحلیل رفتارهای پیامبر ﷺ در برابر منافقان است.^۲ رسول اکرم ﷺ در برخورد با منافقان به گونه‌ای رفتار می‌کردند که نتیجه آن، انزوای اجتماعی منافقان و مصونیت‌بخشی به جامعه اسلامی از تأثیرگذاری منفی آنان بود؛ البته گاه به جهت جلوگیری از فتنه‌انگیزی آنان، به اعمال خشونت دست می‌زدند، ولی هیچ‌گاه به قتل آنان اقدام نفرمودند. در ادامه، به شیوه‌های مواجهه رسول اکرم ﷺ با منافقان پرداخته می‌شود.

۱. مدارا با منافقان

«مدارا» یکی از اصول عملی سیره رسول اکرم ﷺ بود و در تمام شئون زندگی ایشان ظهور داشت.^۳ یکی از الگوهای رفتاری پیامبر ﷺ در برابر منافقان نیز مدارا بود. ایشان با وجود تحریکات فراوان منافقان، بر آنان سخت نمی‌گرفتند و اعمال خشونت نمی‌کردند، در عین آن که اوضاع را تحت کنترل داشته و مدیریت می‌فرمودند؛ چنان که فیض کاشانی در تفسیر الصافی به نقل از امام صادق ع آورده است:

ان رسول الله ﷺ لم یقاتل منافقاً قطّ إنّما کان یتألفهم؛ رسول خدا ﷺ هیچ‌گاه با منافقی جنگ نکرد، بلکه پیوسته در تألیف قلوب آنان می‌کوشید.^۴

طبرسی (ره) نیز در تفسیر آیه: ﴿یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین﴾^۵ چنین نگاشته است که جهاد با کفار به صورت جنگ و کشتن است و جهاد با منافقان، گفتن سخنانی است که آنان را از کارهای زشت بازدارد.^۶ برخی از مصادیق رفتارهای مداراآمیز رسول اکرم ﷺ با منافقان از قرار ذیل است:

۱. نادیده گرفتن سخنان زشت و تردیدافکن منافقان بین اصحاب پس از جنگ احد^۷؛

۲. پذیرش بهانه‌جویی‌های منافقان برای شرکت نکردن در غزوة تبوک و مدارای با آنها^۸؛

۳. مدارای با تحریکات منافقان در اختلاف افکندن بین مهاجرین و انصار پس از جنگ بنی‌المصطلق.^۹

۲. بیان حقیقت در برابر شایعه‌پراکنی

شایعه، خبر یا اطلاعات تأییدنشده‌ای است که مورد توجه گروه یا جمعیت خاصی بوده و برای ایجاد باور نزد دیگران، معمولاً

۱. برای نمونه، اجازه رسول اکرم ﷺ به منافقان برای شرکت نکردن در جنگ تبوک، از جمله مصادیق این رویکرد است؛ ر.ک: *المیزان*، ج ۹، ص ۲۸۵.

۲. این برداشت را می‌توان از غلبه عناوین موضوعاتی که از رسول اکرم ﷺ به ما رسیده است، به دست آورد. برای آگاهی بیشتر، مراجعه به بخش هفتم حکمت‌نامه پیامبر اعظم ﷺ بسیار مفید است. هنگامی که عوامل سازنده جامعه از کلمات پیامبر اعظم ﷺ استقرا می‌شود، عناوینی چون: الفت و دوستی، نقش مهرورزی در تأسیس حکومت اسلامی و تشویق به ترک جدال و اختلاف و... به دست می‌آید. این عناوین می‌تواند تا حدودی فضای حاکم بر عصر نبوی ﷺ را به تصویر بکشد.

۳. واژه «مدارا» در لغت به معنای نرم‌خویی (ر.ک: *لسان العرب*؛ *تاج العروس*) و در اصطلاح به نوعی رفتار مسالمت‌آمیز اطلاق می‌گردد که در شماری از آیات و روایات، با تعابیر مختلفی از قبیل مداهنه، رفق و... به کار رفته است؛ ر.ک: *قلم*، آیه ۹؛ *تفسیر القرآن العظیم* (ابن‌ابی‌حاتم)، ج ۹، ص ۲۹۹۲.

۴. *تفسیر الصافی*، ج ۲، ص ۳۵۸.

۵. *تحریم*، آیه ۹.

۶. *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۰، ص ۴۷۸.

۷. چنان‌که عبدالله بن ابی، سردسته منافقان مدینه، پس از شکست مسلمانان گفت: «تا کی خود را به کشتن می‌دهید؟! اگر محمد ﷺ پیامبر خدا بود، خداوند یاران او را دچار اسارت و قتل نمی‌کرد!» بهانه وی برای این شیطنت آن بود که رسول خدا ﷺ به حرف او اعتنا نکرد و گوش به حرف دیگران داد؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۹، ص ۲۷۸.

۸. *تفسیر روان جاوید*، ج ۲، ص ۵۸۵.

۹. *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، ص ۳۸۶.

از فردی به فرد دیگر به صورت شفاهی، بدون هیچ‌گونه دلیل و مدرکی انتقال می‌یابد.^۱

افزایش دانش عمومی و بصیرت مردم درباره‌ی ماهیت اصل شایعه یا شایعه‌ای خاص و آثار مخرب شایعات، می‌تواند در جلوگیری از تولید و گسترش آن بسیار مؤثر باشد.^۲ در صدر اسلام نیز که هنوز فرهنگ و عقاید دینی مسلمین کاملاً شکل نگرفته بود، یکی از بهترین ابزارهای دشمنان خارجی و داخلی اسلام، شایعه‌پراکنی بود؛ لذا یکی از شیوه‌های رایج منافقان نیز برای ایجاد تردید و تزلزل در باور مسلمانان، شایعه‌پراکنی بود. البته رسول اکرم ﷺ با بیان حقایق، از سویی باورهای افراد جامعه را از خطر انحراف مصون می‌داشت و از سوی دیگر، به افشای نقشه‌ی شوم منافقان می‌پرداخت؛ برای نمونه، در شأن نزول آیه ۶۰ سوره «احزاب» آمده است:

این آیه درباره‌ی قومی از منافقان که در مدینه شایعه‌پراکنی می‌کردند، نازل شده است. رسول اکرم ﷺ به یکی از غزوات رفته بود که آنان شایع کردند که او کشته یا اسیر شده است. مسلمانان از این خبر غمگین شدند و به آن حضرت شکایت بردند. خداوند این آیه را نازل فرمود که: «اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی است و آن‌ها که در مدینه شایعه می‌پراکنند، از کار خود باز نایستند، تو را بر آن‌ها مسلط می‌گردانیم تا از این پس، جز اندکی با تو در شهر همسایه نباشند.»^۳

از دیگر نمونه‌های این سیره، جریان گم شدن شتر رسول اکرم ﷺ است. شتر پیامبر اکرم ﷺ که نامش «قصواء» بود، در یکی از منازل تبوک گم شد. زید بن لُصیت قینقاعی که از منافقان بود، برای این که بین مسلمین شایعه کند که محمد ﷺ اصلاً پیامبر نیست و حتی خبر از شتر خودش هم ندارد و به این شکل در نبوت ایشان تردید ایجاد کند، گفت: «آیا محمد ﷺ گمان می‌کند پیام‌آور الهی است و از آسمان برای شما خبر می‌دهد، در حالی که نمی‌داند شترش کجاست؟!» اندکی بعد، رسول اکرم ﷺ فرمود: «یکی از منافقان چنین گفته است. آنچه من می‌دانم همان است که خداوند به من تعلیم داده است؛ اینک شتر من در فلان شعب است و افسارش بر درخت، در آنجا مانده است. بروید و او را بیاورید!» اصحاب رفتند و او را همان‌جا یافتند و آوردند.^۴

۳. منزوی کردن منافقان

منافقان به ظاهر اسلام آورده بودند، ولی در واقع ضمن حفظ جان و مالشان، هدف دیگری را - که ایجاد شکاف و رخنه میان مسلمانان بود - دنبال می‌کردند. به همین جهت، رسول اکرم ﷺ نیز تدبیری اندیشید که منافقان نتوانند به این هدف شوم خود دست یابند. یکی از بهترین راه‌ها برای این منظور، منزوی ساختن آنان بود.

پس از آن که منافقان با تخلف صریح از شرکت در میدان جهاد، پرده‌ها را دریدند و کارشان برملا شد، خداوند به پیامبرش دستور داد روش صریح‌تر و محکم‌تری را در برابر آن‌ها اتخاذ کند، تا برای همیشه فکر نفاق و منافق‌گری از مغزهای دیگران برچیده شود و منافقان نیز بدانند در جامعه اسلامی محلی برای آن‌ها وجود نخواهد داشت؛ لذا فرمود:

بر هیچ یک از آن‌ها (منافقان) که از دنیا می‌روند، نماز مگزار و هیچ‌گاه در کنار قبر او، برای طلب آمرزش و استغفار نیست!^۵

در حقیقت این روش، نوعی مبارزه منفی و در عین حال مؤثر در برابر گروه منافقان بود که موجب طرد از جامعه اسلامی و بی‌اعتبار گشتن آنان شده بود، چراکه عدم انجام این مراسم درباره‌ی فردی، به معنای طرد او از جامعه اسلامی است، و اگر این

۱. روان‌شناسی شایعه و روش‌های مقابله، ص ۷.

۲. همان، ص ۵۱.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۶.

۴. جلاء الاذهان و جلاء الاحزان، ج ۱۰، ص ۸۳.

۵. توبه، آیه ۸۴.

طردکننده، شخص پیامبر ﷺ باشد، ضربه‌ای سخت و سنگین به حیثیت چنین فردی وارد خواهد آمد.^۱

از مجموع یافته‌های تاریخی درباره شیوه مواجهه پیامبر اکرم ﷺ با منافقان، این مطلب به روشنی ثابت می‌گردد که ایشان همواره تا آن‌جا که ممکن بود، با منافقان مدارا می‌کردند و این در حالی بود که از کفر پنهان آن‌ها آگاه بودند؛ البته مدارای پیامبر اکرم ﷺ موجب بی‌توجهی به جامعه اسلامی نمی‌شد، زیرا هیچ‌گاه از این دشمنان داخلی غافل نبودند و همیشه حرکت‌ها، کارشکنی‌ها و شایعه‌های آنان را با دقت زیر نظر داشتند، نقشه‌های آنان را خنثی می‌کردند و حقیقت مطلب را به آگاهی مسلمانان می‌رساندند.

ب) شیوه مواجهه امیرمؤمنان ﷺ با منافقان

امیرمؤمنان علی ﷺ، شاگرد ممتاز رسول اکرم ﷺ، به تمام روش‌های سیره نبوی ﷺ ملتزم بود، به طوری که در این باره میان قرآن و سنت، تفاوتی نمی‌نهاد و حتی در حرکات ظاهری خود، از رسول اکرم ﷺ پیروی می‌کرد و از اظهار رأی در برابر آنچه از سنت می‌شناخت، بیزاری می‌جست؛^۲ با وجود این، مقایسه سلوک رفتاری امیرمؤمنان ﷺ با سیره عملی رسول اکرم ﷺ در برخورد با منافقان، نشان می‌دهد روش این دو بزرگوار در این حوزه متفاوت بود و شدت عملی که امیرمؤمنان ﷺ در برابر منافقان نشان داد، از سوی پیامبر اکرم ﷺ به وقوع نپیوست، زیرا رسول اکرم ﷺ در تمام مدت رویارویی خود با منافقان، هرگز به جهاد نپرداختند، اما امیرمؤمنان ﷺ دست‌کم در جنگ «صفین» با منافقان روبه‌رو شد. علاوه بر این، تأمل در برخی آیات مربوط به منافقان، چرایی تفاوت دو شیوه یادشده را برجسته‌تر می‌کند، چراکه در آیه ۹ سورة «تحریم» و نیز آیه ۷۳ سورة «توبه»، دستور «جهاد» با منافقان صادر شد و با تعبیر ﴿وَأَعْلَظُ عَلَيْهِمْ﴾، این معنا مورد تأکید قرار گرفت.^۳ اینک پرسش اساسی این است که چرا رسول اکرم ﷺ درباره منافقان، مدارا فرمودند و در ظاهر به این آیه شریفه عمل نکردند؟

برخی مفسران شیعه در تفسیر این آیه، به موضع‌گیری مسالمت‌آمیز پیامبر ﷺ در برابر منافقان اشاره کرده و با تحلیل واژگانی جهاد، مواجهه پیامبر ﷺ را در راستای آیه شریفه قلمداد کردند؛ چنان‌که علامه طباطبائی «جهاد» و «مجاهدت» را به معنای بذل نهایت درجه کوشش در مقاومت دانسته است، چه به زبان باشد و چه به دست، که گاه به کارزار منتهی می‌شود.^۴

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه آورده است:

مراد از جهاد با منافقان، همان توبیخ، سرزنش، تهدید، انذار و رسوا ساختن آن‌ها و یا در بعضی موارد، تألیف قلوب آن‌هاست، زیرا مسلماً پیامبر ﷺ با منافقان جهاد مسلحانه نداشت، چه این‌که «جهاد» معنای وسیع و گسترده‌ای دارد و هر گونه تلاش و کوشش را شامل می‌شود. تعبیر به ﴿وَأَعْلَظُ عَلَيْهِمْ﴾ (بر آن‌ها سخت بگیر و خشونت کن) نیز اشاره به خشونت در سخن و افشاگری و تهدید و مانند آن است که همگی مبارزه غیرمسلحانه است.^۵

بررسی روایات تفسیری اهل بیت ﷺ در این باره، تحلیل دیگری را فراروی محققان قرار می‌دهد، زیرا برخی متون با ذکر

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۶۷.

۲. تاریخ تحول دولت و خلافت، ص ۱۶۸.

۳. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاَعْلَظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَاِنَّهُمْ لَمُصِيرُونَ﴾؛ توبه، آیه ۷۳؛ تحریم، آیه ۹.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۳۹.

۵. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۴۱.

قرائت متفاوتی از آیه، جهاد با کفار را مخصوص پیامبر ﷺ و جهاد با منافقان را مخصوص امام علی ﷺ دانستند؛ چنان که روایت شده است:

عن أبي عبد الله ﷺ في قوله: «يأبها النبي جاهد الكفار بالمنافقين»، قال: هكذا نزلت، فجاهد رسول الله ﷺ الكفار وجاهد علي ﷺ المنافقين فجاهد علي ﷺ جهاد رسول الله ﷺ؛ امام صادق ﷺ درباره این کلام خداوند که: «ای پیامبر! با منافقان به جهاد با کفار بپرداز» فرمود: آیه شریفه این گونه نازل شده است: پس رسول خدا ﷺ با کفار نبرد کرد و علی ﷺ با منافقان، و جهاد علی ﷺ نیز جهاد پیامبر ﷺ است.^۱

برخی دیگر از متون نیز با در تقدیر گفتن «باء» استعانت، جهاد پیامبر ﷺ با منافقان را به واسطه امام علی ﷺ دانسته‌اند؛ چنان که طبرسی (ره) آورده است:

و روی فی قراءه أهل البيت ﷺ «جاهد الكفار بالمنافقين» قالوا لأن النبي ﷺ لم يكن يقاتل المنافقين و إنما كان يتألفهم؛ در قرائت اهل بیت علیهم السلام چنین روایت شده است که: «با منافقان، به جهاد کفار بپرداز!» زیرا پیامبر ﷺ با منافقان نجنگیده بود، بلکه تنها به تألیف قلوب آنان می‌پرداخت.^۲

بنابراین، در جمع‌بندی کلی می‌توان چنین بیان کرد که رسول اکرم ﷺ نیز به آیه مزبور عمل کردند، اما با مصداقی متفاوت از مفهوم جهاد؛ چنان که مصداقی که امیرمؤمنان ﷺ نیز عملی کرد، با توجه به شرایطی بود که در زمان رسول اکرم ﷺ مهیا نگردیده بود؛ از این رو باید گفت، شدت عملی که امیرمؤمنان ﷺ با منافقان داشت، مربوط به خصوصیات فردی ایشان نبود، بلکه تابع مقتضیات و شرایط زمان ایشان بود. با وجود این، مطالعه مصادیق رفتاری امیرمؤمنان ﷺ و نحوه مواجهه ایشان با منافقان می‌تواند تصویر روشنی از موضع‌گیری امام علی ﷺ را به نمایش درآورد.

۱. افشا و روشن‌گری^۳

یکی از روش‌هایی که امیرمؤمنان ﷺ در برخورد با منافقان در پیش گرفته بود، افشای واقعی چهره‌ای بود که آنان به دروغ نزد مسلمین به نمایش گذارده بودند؛ چنان که حضرت در برخی مکاتبات خود با معاویه، به این مهم دست زد و چهره منفور وی را برای مخاطبان آشکار کرد، چراکه معاویه با شست‌وشوی مغزی مردم و وارونه نشان دادن حق و باطل، توانسته بود امام علی ﷺ را در نظر مردم، منفور و خود را خیرخواه مردم معرفی کند! از این رو لازم بود امام علی ﷺ نیز در برابر هجوم تبلیغات دروغین معاویه، از خود دفاع کند.

یکی از موضوعاتی که معاویه توانسته بود با آن، مردم شام را با خود همراه سازد، خون‌خواهی عثمان بود؛ بر این اساس، پاسخ به خون‌خواهی عثمان، از موضوعاتی است که در بسیاری از نامه‌های امام علی ﷺ به معاویه، به چشم می‌خورد. به طور خلاصه، امام علی ﷺ در مواجهه با خون‌خواهی عثمان، خود را از قتل او تبرئه کرده^۴، معاویه را - به دلیل حضور فرزندان عثمان^۵ - خارج از محاکمه قاتلان عثمان دانسته و از او می‌خواهد ابتدا بیعت کند و سپس قصاص بخواند^۶، و

۱. تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۲۴۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۲۹.

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۷؛ تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۳۴۱.

۳. با توجه به آن که چهره شاخص و برجسته نفاق در دوره امیرمؤمنان ﷺ، معاویه بوده است، تنها ابعاد مواجهه امام علی ﷺ با این فرد، مورد بررسی قرار گرفته و جنبه‌های مختلف مواجهه امیرمؤمنان ﷺ با این شخصیت تبیین شده است.

۴. نهج البلاغه، نامه ۶.

۵. کشف المحجبه، ص ۲۶۱.

۶. نهج البلاغه، نامه ۶۴.

سرانجام معاویه را قاتل اصلی عثمان معرفی می‌کند.^۱

۲. تهدید پس از نصیحت

با مطالعه نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه می‌توان دریافت که بخش قابل توجهی از مکاتبات امام علی علیه السلام با معاویه، بر موضوع پرهیز از دنیازدگی و دنیاطلبی تمرکز دارد^۲، چراکه به گواه تاریخ، معاویه فردی دنیاطلب بود و برای رسیدن به قدرت، از انجام هیچ کاری دریغ نمی‌کرد؛ از این رو، امام علی علیه السلام درد معاویه را فهمیده و داروی مخصوص آن را تجویز کرده بود، اما این بیمار نه تنها به دنبال درمان نبود، بلکه به جنگ علیه طیب خود برخاسته بود. از سوی دیگر، به دلیل آن که مبدا معاویه تصور کند، امام علی علیه السلام او را به حال خود واگذاشته، گاه از زبان تهدید و وعید نیز بهره می‌گیرند. ایشان در شماری از نامه‌های خود به معاویه^۳، وی را تهدید نظامی کردند؛ برای مثال در نامه ۶۴ نهج البلاغه فرمودند:

وَعِنْدِي السَّيْفُ الَّذِي أَعْضَضْتَهُ بِجِدِّكَ وَ خَالِكَ وَ آخِيكَ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ؛ شمشیری که به وسیله آن جد و دایی و برادرت را در یک میدان کشتم، پیش من است.

۳. جهاد و قتال

شاید اساس تفاوت شیوه مواجهه امیرمؤمنان علیه السلام با رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این مطلب خلاصه شود که امام علی علیه السلام دست به قتال با منافقان زد؛ کاری که هرگز در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نیفتاد. در واقع، امیرمؤمنان علیه السلام راه درمانی برای منافقانی چون معاویه، جز زبان شمشیر نمی‌شناخت و حتی در پاسخ اشخاصی که این واقعیت را درک نمی‌کردند، فرمود:

من بارها جنگ با معاویه را بررسی کرده، پشت و روی آن را سنجیده‌ام؛ دیدم راهی جز بیکار یا کافر شدن به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله آورده، باقی نمانده است.^۴

ابن ابی‌الحدید نیز با تفسیر این نکته، پس از نقل نامه‌های حضرت به معاویه آورده است:

کسی که به مضمون این نامه‌ها توجه کند، می‌داند که آن وضعیت، قابل علاج و تدبیر نبود و حضرت علی علیه السلام چاره‌ای جز استفاده از زور شمشیر نداشت و خود وی از آنچه انجام داد، از همه کس آگاه‌تر بود.^۵

نتیجه‌گیری

۱. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام، در دو دوره مختلف با پدیده نفاق مواجه بوده و برای انزوا و سرکوب آن تلاش کردند.

۲. اصلی‌ترین رویکرد پیامبر صلی الله علیه و آله در مواجهه با منافقان، مدارا بود و ضمن مبارزه با شایعه‌پراکنی، سعی در انزوا و کنترل فعالیت‌های آنان داشتند، اما امیرمؤمنان علیه السلام علاوه بر افشاگری ماهیت منافقان، با استفاده از ابزار تهدید و مبارزه مستقیم، چهره دیگری از مواجهه با منافقان را به تصویر کشید.

۳. جهاد با منافقان در معنای عام خود، درجاتی دارد که تحقق هر مرحله، شرایط خاص خود را می‌طلبد و عمل به این واجب، به هر یک از مصادیق آن محقق می‌شود. بر اساس شواهدی که از متون تفسیری و روایی به دست می‌آید، امیرمؤمنان علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله هر دو به جهاد با منافقان پرداختند، اما مصداقی از مفهوم «جهاد» که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را

۱. همان، نامه ۲۸.

۲. نامه‌های شماره: ۱۰، ۱۷، ۳۰، ۳۲، ۴۸، ۴۹، ۵۵ و ۶۵ نهج البلاغه، به این موضوع اشاره دارند.

۳. مانند نامه‌های: ۱۰، ۲۸، ۶۴ و ۷۳ نهج البلاغه.

۴. نهج البلاغه (صبحی صالح)، خطبه ۴۳.

۵. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۵۹.

محقق ساختند، بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی بود که با مصداقی که امیرمؤمنان علیه السلام بدان جامه عمل پوشید، تفاوت داشت.

۴. با این حال، نمی‌توان این حقیقت را نادیده گرفت که مواجهه امیرمؤمنان علیه السلام با منافقان، بسیار شدیدتر و سخت‌تر از مواجهه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود و امیرمؤمنان علیه السلام آخرین مرتبه رویارویی با منافقان را صورت دادند و این شکل از رفتار در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله تحقق نیافته بود، چراکه آسیب‌هایی که از جانب فردی چون معاویه متوجه اسلام شده بود، به گونه‌ای بود که با روشی جز جهاد و مبارزه قابل دفاع نبود.

۵. شایان ذکر است، مأموریت اصلی این مقاله، تبیین تفاوت مواجهه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام در برابر منافقان بود، لکن پاسخ به چرایی این تفاوت و تحلیل آن، خارج از رسالت این مقاله بوده و نیازمند پژوهشی مستقل است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بحرانی، تهران: بنیاد بعثت، اول، ۱۴۱۶ق.
- تاج‌العروس، محمد بن محمد مرتضی زبیدی، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۲۰۵ق.
- تاریخ تحوّل دولت و خلافت، رسول جعفریان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، دوم، ۱۳۷۷.
- تفسیر الصافی، ملامحسن فیض کاشانی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: الصدر، دوم، ۱۴۱۵ق.
- تفسیر القرآن العظیم، عبدالرحمن بن محمد بن ابی‌حاتم، عربستان: مکتبه نزار مصطفی الباز، سوم، ۱۴۱۹ق.
- تفسیر روان جاوید، محمد ثقفی تهرانی، تهران: برهان، سوم، ۱۳۸۹ق.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۷۴.
- تفسیر نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه حویزی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تصحیح: طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، سوم، ۱۴۰۴ق.
- تهذیب اللغه، محمد بن احمد ازهری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۳۷۰ق.
- جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، حسین بن حسن جرجانی، تهران: دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۷.
- روان‌شناسی شایعه و روش‌های مقابله، غلامعلی افروز، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
- شرح نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی‌النجدی، ۱۴۰۴ق.
- کشف المحجّه لثمره المهجّه، علی بن موسی بن طاووس، تحقیق: محمد حسون، قم: بوستان کتاب، دوم، ۱۳۷۵.
- لسان‌العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت: دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تهران: ناصرخسرو، سوم، ۱۳۷۲.
- نهج‌البلاغه، محمد بن حسین شریف الرضی، تحقیق: فیض الإسلام، قم: هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.
- نهج‌البلاغه، محمد بن حسین شریف الرضی، ترجمه: محمد دشتی، قم: امیرالمؤمنین علیه السلام، پنجاه‌ونهم، ۱۳۹۳.